

تبارشناسی فهم قرآن در سده نخست هجری

محمدهادی امین ناجی^۱، قاسم محسنی مری^۲

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۲/۱ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۲/۱۶)

چکیده

بازخوانی فهم، معنا و مراد آیات الهی در سده آغازین توسط مفسران نیازمند به بازخوانش مؤلفه‌های هویت ساز اندیشه‌ای و بافتار فرهنگی و اجتماعی پسا نزول قرآن است. مفسران نخستین به عنوان فهمندگان آغازین با سویه‌های ناهمسان در پیوند با پیشینه تاریخی، مؤلفه زبانی و فرهنگی همبسته با آن و نیز هم‌نشینی با پیامبر اسلام (ص) و آشنایی به زیسته نوین و در پی آن دگرگونی شرایط زیست پسا پیامبر (ص) سبب فهم و شیوه‌های تفسیری متفاوت شدند. پس از صحابه بستر برای ایجاد مکاتب تفسیری با کنش پیروان این مکاتب فراهم آمد که با رهیافت‌های نظری متعددی، به بازتولید متون تفسیری نوینی انجامید. این پژوهش با شیوه تبارشناسی و عناصر در پیوند با آن به صورت توصیفی و تحلیلی در پی پاسخ به چیستی و تبیین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر ناهمسانی فهم متن وحیانی در دوره آغازین اسلامی است. افزون بر آن کنش‌های مفسران و تأثیرپذیری آنان از ساحات متفاوت فرهنگی و تجربه زیسته و نسبت آنها با نهاد قدرت را عامل تغییر، دگرگونی و باز تولید مکاتب و شیوه‌های نوین تفسیری دانسته است.

کلید واژه‌ها: تبارشناسی، گفت‌مان، قرآن کریم، فهم، تفسیر

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)؛

aminhadi94@gmail.com

۲. دانش آموخته دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران؛

Ghmohseni1352@gmail.com

بیان مسأله

دانش تفسیر از مهم‌ترین کنش‌های دینداران در آغازین دوران اسلامی است که با واسطه عناصر ناهمسان تأثیرگذار بر فرایند تفسیر، رهیافت‌ها و روشهای متفاوتی را در فهم متن وحیانی را ایجاد کرد. همبسته شدن تفسیر با دانش‌های انسانی که فرآورده‌ای از شیوه وجودی و اندیشه بشری در پیوند با منافع و علائق آدمی در بافتار تاریخی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است، سبب تنوع خوانش‌ها و فهم‌ها شد. بازاندیشی فهم و تعیین بخشی معنای گزاره‌های قرآن در سده آغازین توسط فهمندگان و خوانشگران آن، نیازمند به بازشناسی رویه‌های هویت‌ساز اندیشه، سنخ روانی، فضای فرهنگی و سیاسی و تجربه زیستی در جهان مسلمانی پس‌انزول قرآن با بافتار حاکم بر آن است. نظم گفتمانی حاکم بر فهمندگان این دوره هم پیوند با گذشته تاریخی و وابستگی به آن و نیز همنشینی و همزیستی با پیامبر(ص) و تجربه ساحات گفتاری و کرداری آنان باحضرت(ص)، خوانش‌شان را متکثر و بستر تکثر فهمی و کنش‌گری متفاوتی را ایجاد نمود. در این سامانه، بازخوانش روایت تفسیری در سده آغازین (صحابه و تابعان) در پیوند با مؤلفه‌های فراوانی است که امکان دریافت و درک ناهمسانی تفسیرها را فراهم می‌سازد.

مفسران آغازین اسلامی بسان عبدالله بن عباس، عبدالله بن مسعود، ابی بن کعب، زید بن ثابت و عبدالله بن عمر با شیوه‌های متفاوت در سطوح روایی و اجتهادی به تفسیر متن وحیانی اقدام کردند. کنش‌گری این مفسران بعدها در نسل دوم که نقش تبعی را ایفا کردند به عنوان مکاتب تفسیری یادگشت. تنوع معرفتی تفسیری که در شکل مکاتب آغازین ایجاد شده و به تولید شیوه تفسیری با رهیافت‌های نظری متعددی انجامید را می‌توان در روایات تاریخی بازجست. مفسران مکه که به مدرسه تفسیری مکه نامیده شدند از روش تفسیری ابن عباس بهره‌مند گشته و بنیان مکتب اجتهاد را در تفسیر پایه‌ریزی نمودند و از شاگردان این مکتب سعید بن جبیر، مجاهد، عکرمه، ضحاک، طاووس بن کیسان یمانی هستند. مدرسه تفسیری

مدینه با پیروی از روش تفسیری ابن مسعود برپای‌بندی به نقل و دوری جستن از رأی بود و از شاگردان این مکتب ابوالعالیه رفیع‌بن‌مهران ریاحی و محمدبن‌کعب‌القرظی و زیدبن‌اسلم می‌باشند. مدرسه کوفه نیز از ابن مسعود تبعیت می‌کرد ولی به رأی هم اعتماد داشتند و بعدها به عنوان مرکز علوم اسلامی و اندیشه شیعه گردید. شاگردان آن مره همدانی، علقمه بن قیس، مسروق بن اجدع، عامر شعبی، جابرین یزید جعفی و سدی کبیر هستند. مدرسه تفسیری بصره از ابوموسی اشعری که در زمان عمر والی بصره بود تأسی می‌جستند و از برجسته‌گان این مکتب حسن بصری و قتاده بن دعامه می‌باشند.

برای بازخوانش ناهمسانی تفسیرها و امکان همسنجی نظرهای مؤلف یا مؤلفان نیاز به دریافت رهیافت‌های مؤلفان و درک درست از مؤلفه‌های دیگر همانند نشانه‌های تاریخی، فرهنگی و گستره پراکندگی صحابه در سرزمین‌های اسلامی و نقش نهاد قدرت (خلفا) در اعزام قضات و معلمان قرآن به سرزمین‌های اسلامی و برپایی کلاس‌های حدیثی و تفسیری و همکنشی آنان با نهاد قدرت در همسویی و ناهمسویی به مثابه عاملی تأثیرگذار در ایجاد دگرگونی شیوه تفسیری می‌باشد. چنین کنشگری تفسیری از سوی دانشوران نخستین و ساحت‌های گفتار و رفتاری آنان به‌طور حداکثری در دوره‌های بعد در جایگاه صحابه به سنت تعبیر شد و زمینه ایجاد مکاتب فکری و گسست امت اسلام را فراهم آورد و این گسست امت نوین به عنوان فضیلت از پیامبر(ص) روایتگری شد.

با رهیافت نوین اندیشه‌ای همانند تبارشناسی و عناصر قوام بخش آن دگرگونی‌ها و ناهمسانی‌های تفسیری را نمی‌توان تنها با سبک‌های ویژه مؤلفان و با ریختار مکانیکی و خطی همبسته دانست بلکه نیازمند به رویه‌ها و عناصر دیگر در بازخوانی است. در این روند افزون بر موقعیت عمومی و کلی جامعه دوران فهمندگان (انسان‌شناسی فرهنگی) و نقش مفسران در ساحت اندیشگری و بهره‌مندی از تاریخ، ریشه‌ها، نسبتها، پیوندها،

۱. مقصود از قدرت تنها نظام حاکم سیاسی نیست بلکه فراتر از آن پیوند میان دانش و نوع دیگر از قدرت که بر سراسر جامعه حاکم است که اقتدار دربرمی‌گیرد. (مکالا، ۱۶۶-۱۹۰)

هم‌کنشی‌ها، وابستگی‌ها، اثرمندی‌ها و اثرپذیری، در پی بازخوانی کنشگری‌های پسینی مفسران به عنوان تدوین‌کنندگان مکاتب تفسیری، عامل ناهمسانی فهم‌ها، دگردیسی و بازتولید مدارس تفسیری است. به نظر می‌رسد این روند برای نسل بعدی به عنوان عناصر فرازبانی قابل تعمیم باشد که در تدوین مکاتب تفسیری نقش انفعالی نداشته بلکه هرکدام از آنان نیز به دلایل یادگشته و بودگی در نظام گفتمانی ویژه در دگرگونی و بازآفرینی مکاتب تفسیری نقش آفرین بودند.

بنابراین گفته‌ها، پرسش‌های این پژوهش چنین صورت‌بندی می‌شود:

الف- دلایل ناهمسانی فهم متن وحیانی در دوره آغازین اسلامی چیست؟

ب- طرح و انگیزه نهایی مفسران آغازین (ابن عباس و زیدبن ثابت) به عنوان صاحبان

مکاتب تفسیری در ایجاد مکاتب و آرای ویژه‌شان چیست؟

نظریه‌پردازی درباره چگونگی فهم و تفسیر قرآن در سده نخستین اسلام همبسته به عناصر فرازبانی و تبارشناسی^۱ آن است. در این راستا فهم متن افزون بر مؤلفه‌های زبانی در پیوست با عناصر گفتمانی^۲، همکنشی با بافتار اجتماعی، فرهنگی و منطقه‌ای جغرافیایی و سایر عناصر درگستره تبارشناسانه است. بنابراین الگوی، در این جستار، شیوه کنشگری مفسران آغازین در پیوند با مؤلفه‌های قدرت، دانش^۳ و سایر عناصر فرازبانی را به عنوان دلایل ناهمسانی فهم متن وحیانی مورد بررسی قرار داده تا نادیدها و ناگشودهای روش‌های سنتی را بازخوانش نماید.

۱. genealogy & antecedent / تبارشناسی، از سنت‌های نظری - روشی است که پدیده‌ها را در دگرگونش تاریخی بررسی می‌نماید. این روش در برابر روش شناسی سنتی تاریخ قرار دارد که رویدادها را براساس هویتی ثابت و قاعده معینی با توالی خطی بررسی می‌نمود را نفی نمود و در پی مؤلفه‌های ناپایداری رویدادها، شکاف‌ها، گسست‌ها و جدایی‌هایی در حوزه‌های گوناگون معرفتی است (صالحی زاده، ۱۱۸؛ بهیان، ۶؛ خاتمی، ۴۹۱؛ دریفوس و رایینو، ۱۷)

۲. گفتمان به نظامی گفته می‌شود که به شیوه‌های درک آدمی از واقعیت را شکل می‌دهد. (صالحی زاده، ۱۱۹)

۳. نسبت قدرت و دانش (حقیقت) در این جستار براساس تعریف ویژه‌ای است که قدرت براساس مناسبات اجتماعی ایجاد شده و حقیقت بی‌تعیین در درون قدرت ایجاد می‌گردد. (کهن، ۳۹۳)

پیشینه تحقیق

گستره آیات، معناداری و فهم مراد روایت‌های قرآنی، دل‌بستگی باورمندان مسلمان به گشودگی و آشکار سازی آیات بستری برای پیدایی دانش تفسیری و نگارش پرشمار کتاب‌های تفسیری در این راستا بود. اما نظریه‌پردازی درباره چگونگی فهم و تفسیر قرآن در سده نخست اسلام همبسته به زمینه‌های تاریخی ویژه آن است. در این راستا نظریه پردازی درباره تفسیر و مکاتب تفسیری بیشتر در حوزه روش‌های تفسیری و علوم قرآنی به عنوان مباحث رایج و فراگیر زمانه خویش سامان یافته‌اند.^۱

تفسیر قرآن در سده آغازین

نیاز به تفسیر آیات الهی در آغازین دوران اسلامی با شیوه بهره‌مندی از عناصر زبانی جهت دریافت و بازخوانی مراد الهی احساس شد. (طباطبایی، ۴/۱؛ معرفت، ۱۴/۱) افزون بر آن عناصر غیر زبانی همانند فضای عربستان عصر نزول و واقعیات تاریخی آن بسان کم سواد اعراب، نبود زبان معیار به دلیل گونه‌گونی گویش‌های محلی و قبیله‌ای به عنوان عوامل درونی و گستره فتوحات اسلامی و وجود تازه مسلمانان غیرعرب این ضرورت را

۱. نوشتار با صورتبندی تفسیری و دانش‌های قرآنی بسان تفسیر غریب القرآن (ابن قتیبه م. ۲۷۶) مشکل القرآن (همو) تفسیر ابن عباس، تفسیر مجاهد (م. ۵۱۰۴)، تفسیر کلبی (م. ۱۴۶هـ) (یا همان الواضح فی تفسیر القرآن اثر دینوری که در دوران بعدی با عنوان تنویرالمقباس من تفسیر ابن عباس شهره یافت) تفسیر سفیان ثوری (م. ۱۶۱) الجامع؛ تفسیر ابن وهب (م. ۱۹۷)، تفسیر مقاتل بن سلیمان (م. ۱۵۰)، معانی القرآن فراء (م. ۲۰۷)؛ تفسیر القرآن (عبدالرزاق بن همام الصنعانی م. ۲۱۱)؛ تفسیر سهل تستری (م. ۲۸۳) کتاب التنزیل و التبذیل (السیاری، م. حدود ۲۶۰) تفسیر عیاشی و علی بن ابراهیم قمی انجام شده است. البته نوشته‌هایی مستقلی درباره مکاتب تفسیر و شیوه‌های تفسیری هم سامان یافته‌اند که به بررسی مکتب و روش تفسیری صحابه و تابعین پرداخته‌اند که از این میان نوشتار "تقسیمات تفسیری با تاکید بر مذهب، روش، گرایش، مکتب و شیوه‌های تفسیر" از جگینی و دیگران را می‌توان نام برد. مقاله "ارزیابی آرای انتقادی ژیلو نسبت به مشروعیت تفسیر اجتهادی" (حسن رضایی هفتادرو دیگران، ۸-۳۲) به بررسی رهیافت خاورپژوهان درباره روش تفسیری در آغازین دوران اسلام پرداخته است و نیز جستار «بررسی تغییرات انگاره سنت نبوی در طول دو قرن نخست هجری» از (قاسم پور، ۱۰۹-۱۳۲) با بررسی تغییرات معنایی سنت نبوی به مثابه انگاره در طول دو قرن نخست اسلامی با تأثیرپذیری از جریان‌های متفاوت، کمینه‌ای از این تلاش‌های تفسیری است. اما این نوشتار توجهی به تبارشناسی در ساحت تفکر تفسیری و مؤلفه‌های در پیوند آن بسان تاریخ، ریشه‌ها، نسبت‌ها، ارتباطات، تعاملات، اثرمندی‌های و وابستگی‌ها به عناصر قبیله‌ای و نژادی که تعیین بخش نوع اندیشه اندورزی مفسران است، نشده است.

تقویت نمود. برپایه این رهیافت که بر بنیاد شیوه دنیای مدرن است، روند فهم متن و گشودگی مراد آیات الهی، افزون بر عناصر زبانی همانند علوم عربیت شامل دانش لغت (مفردات، نحو، صرف و علوم بلاغت) و روش معناشناختی و مؤلفه‌های در پیوست با آن،^۱ به عناصر فرا زبانی با سویه‌های تاریخی، انسان‌شناسی، درک ساختار و بافت فرهنگی-اجتماعی تکون متن و عواملی که که زبان در آن قالب معنا یافته هم مورد نیاز شد. در این راستا با وجود کمینه منابع شناختی در دوران آغازین تفسیری، به طور حداقلی می‌توان با استخراج روایات تفسیری در متون تفسیری پسینی و تک نگاشته‌ها، گمانه زنی نوینی در خوانش متن انجام داد. به نظر می‌رسد بررسی جایگاه تلقی مفسران آغازین از تفسیر در گشودگی معنای واژگانی و مراد الهی، خوانشگر امروزین را به شیوه آنان در فهم متن رهنمون می‌سازد. گزارش‌ها از فهمندگان نخستین وحی همانند: ابی بن کعب، عبدالله بن عباس، عبدالله بن مسعود، عبدالله بن عمر، عبدالله بن زبیر، انس و ابوهیره، ابوموسی اشعری و ابو سعید خدری نمایشگر روش تفسیری آنان است. بر این اساس شیوه آنان در تفسیر به شکل خام این گونه خوانش گردید که آنچه از پیامبر(ص) در معانی آیات قرآنی شنیده بودند در شکل روایت مسند نقل نمودند (طبری، ۶۱/۱) و حتی در گامی فراتر عدم تفسیر از جانب برخی احتیاط ورزی و هراس از دست نیافتن به حق گزارش شد. (همو، ۶۱/۱) البته چنین خوانشی سنتی با پژوهش‌های امروزین ناسازگار است، زیرا افزون بر این که آراء شخصی برخی از مفسران (ابن عباس) در فهم آیات دخالت داشته (حاکم نیشابوری، ۶۱/۱) عناصر فرا زبانی در این نگره نادیده گرفته شد.

بر اساس رهیافت سنتی، نگرش‌های مفسران آغازین در نسل دوم که نقش تبعی داشتند به عنوان مکاتب تفسیری خوانش شد و مفسران هر شهری براساس شیوه مفسر پیشینی خود اقدام به تفسیر نمود. مفسران مکه که به مدرسه تفسیری مکه نامیده شدند از روش تفسیری

۱. در انگاره زبان‌شناسی معناشناسی مطالعه معنای زبان روش علمی که به قواعد کلی حاکم بر معانی و کشف روابط بین معانی می‌پردازد و اصولی را برای کشف معانی پیش می‌نهد. (پالمر، ۲۲)

ابن عباس بهره‌مند گشته و بنیان مکتب اجتهاد را با شاگردی سعید بن جبیر (۹۵هـ)، مجاهد (۱۰۴م)، عکرمه (۱۰۷م)، ضحاک (۱۰۵هـ) در تفسیر پایه ریزی نمودند. (سیوطی، الاتقان، ۳۲۳/۲) طاووس بن کیسان یمانی (زرکلی، ۲۲۴/۳) مدرسه تفسیری مدینه با پیروی از روش تفسیری ابن مسعود که مبتنی برپای بندی به نقل و دوری جستن از رای بود و از شاگردان این مکتب می‌توان به ابوالعالیه رفیع بن مهران ریاحی و محمد بن کعب القرظی و زید بن اسلم را می‌توان نام برد. مدرسه کوفه نیز از ابن مسعود تبعیت می‌کرد ولی به رأی هم اعتماد داشتند و بعدها به عنوان مرکز علوم اسلامی و اندیشه شیعه گردید. شاگردان آن مره همدانی، علقمه بن قیس، مسروق بن اجدع، عامر شعبی، جابر بن یزید جعفی و سدی کبیر. مدرسه تفسیری بصره از ابوموسی اشعری که در زمان عمر والی بصره بود تأسی می‌جستند و از برجسته‌گان این مکتب ابوسعید، حسن بصری و قتاده بن دعامة می‌باشند. چنانچه دیده می‌شود، در این خوانش روند تفسیر و ایجاد مکاتب تفسیر با یک صورتبندی تاریخی و با توالی خطی بدون در نظر گرفتن مؤلفه‌های فرازبانی در نظر گرفته است.

مؤلفه‌های تأثیرگذار در فهم‌های ناهمسان سده آغازین

در نگاهی به تاریخ انگاره^۱ این فرآورده به دست می‌آید که تاریخ اندیشه چندان ساده نیست که در دوره ای تنها یک جریان فکری وجود داشته است بلکه اندیشه‌های گوناگونی بوده که پیوسته درمبانی، پرسمان و چالش‌های متفاوت در برابر هم قرار داشتند. در این نگره متن قرآن برای فهم در انباشتی از دادوستدهای بینامتنی مفسر با مؤلفه‌هایی بسان نظام اندیشه‌ای، بودگی مفسر در عالم ویژه (علمی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی) تجربه زیسته، شاخصه‌های روانشناختی و سایر عناصر یادگشته قرار داشته و چنین زیستی زمینه‌ساز رویارویی مبانی، شیوه، پرسمان‌ها و سایر چالش‌ها را فراهم می‌نمود. اینگونه داد

۱. تحول معنایی انگاره‌ها و مفاهیم در بستر تاریخ اندیشه که به تکون، ثبات و دگرگونی محتوایی از جهت گستره و تنگنای مفهومی در فضای بومی فرهنگی ویژه را تاریخ انگاره گویند. (Lovejoy, 1936, p 8)

و سند فهمی را می‌توان با مؤلفه تاریخی در الگوی مثالی تحول معنایی انگاره^۱ سنت پی حویی کرد. مفهوم سنت در سده آغازین اسلام دارای گستره معنایی بود که در ابتدا به نحوه زیست و سلوک پیامبرانه اشاره داشت و با دگرذیسی، گستره معنایی آن به سلوک زیسته صحابه^۲ هم بازتاب یافت و در ادامه زمینه ساز بازخوانش آن در حیات فردی و اجتماعی مسلمانان و بازآفرینی مکاتب متعدد در سرزمین‌های اسلامی در این دوران شد. با این پندار سلوک صحابی بسان ابن مسعود، ابن عباس و دیگران، آئینه تمام‌نمای سلوک پیامبرانه فرض شد. چنین خوانش معنایی از انگاره سنت در بستر تاریخی پسا نزول قرآن در قرون اول، بستر ساز جریان‌های فهمی، مکاتب تفسیری و فقیهانه در دوره بعد گشت. به نظر می‌رسد آنچه در تکون گستره معنایی این انگاره در سده نخست دخالت دارد باید در الگوواره دیگری جویی کرد. در این تحلیل مفاهیم بنیادین «قدسی» و «احتیاط» به مثابه زمینه‌های شکل‌گیری گفتمان در تمدن اسلام است. مفهوم احتیاط در این صورتبندی به انجام تکلیف فقیهانه، بندگی، مواجهه با جهان‌های تازه اشاره دارد که شیوه زیست و سلوک شخصی از وجوه روان‌شناختی فردی تا مناسبات فکری و دانشی را در برمی‌گیرد و به مثابه همزاد و برابر امر قدسی در گفتمان اسلامی می‌باشد. بر این اساس، گفتمان اسلام آغازین بر پایه «عمل» و «تجربه زیسته» در ارتباط با هم‌کنشی مسلمانان با پیامبر(ص) قابل خوانش است که این تعامل مفاهیم صحابه و تابعین را تولید کرده است. تکون و معناداری مفهوم سنت در پیوند با قدسیت و احتیاط می‌باشد. قرآن کریم و پیامبر(ص) نمود امر قدسی بوده و مراعات سیره آن حضرت احتیاط ورزی، یا تقوا را معنا می‌بخشید. قرآن در آن زمانه نه به مثابه متنی میان دو جلد که چونان بخشی از مکالمه‌ای در محضر خداوند

۱. الگو تنوع معرفتی در سده‌های آغازین حتی در تعریف اصطلاحات حدیثی "اثر" در قرن دوم گاهی در معنای موقوف و مقطوع (روایاتی که حاکی از گفتار و کردار صحابی و تابعان) و گاهی در ترادف حدیث (ابن صلاح، ۴۶) هم دیده می‌شود. به نظر می‌رسد اصطلاح اثر به لحاظ تاریخی در آغاز در تقابل با رأی به گرفته شد. «لیس رب رأی خیر من اثر» (کنزی، ۱/ ۱۵۶)

۲. بر اساس رهیافت سنتی، برای دسترسی به تفسیر صحابه افزون بر شناخت واسطه‌ها تاصحابی، نوع نگرش به صحابه از جهت وثاقت یا عدم آن هم مورد توجه است که اهل سنت باور حد اکثری به وثاقت صحابه دارند.

جریان می یافته (ابوزید، ۱۹۸) و بخشی از امر حاضر و ناظر به روند رویدادها و منطق روابط (شیوه‌ای معطوف به امر قدسی و در موقعیتی والا و احتیاط آمیز برآمده از ارتباط با خدا) میان مسلمانان بروز یافت. همنشینی با پیامبر(ص) افزون بر مسلمان بودن، با الگوپذیری از آن حضرت(ص) سبکی ویژه از زیست را بازنمون ساخت که باعث شد آنان را از دیگران جدا و ممتاز گرداند. خوانش مفاهیم صحابه و تابعی نوعی مقبولیت و جاهت ممتاز آنان در درون این گفتمان است که گفته‌ها و رفتارهای آنان را به دلیل برخورداری از درک حضور و همنشینی با پیامبر(ص) ممتاز ساخت. بنابراین سده نخست هجری عمل و سبک زیسته معطوف به درک حضور پیامبر(ص) حاکم برگفتمان اسلام بود که کنش افراد را بر دیگران برتری داد. در دوره‌های بعد به دلیل عدم حضور پیامبر(ص)، افزون بر متن، همنشینی با این افراد جانشین حضور شد و به دنبال آن، متافیزیکی پیرامون این مسائل شکل گرفت و کارکرد حضور را تداوم داد. از این جهت می‌توان گفت که فهم تفسیری هم در همین بافتار قدرت و دانش در جامعه معنا یافت. در ادامه باید افزود دگرگونی و توسعه معنایی مفاهیم در سده نخستین اسلامی را می‌توان در این الگوی فرازبانی خوانش نمود که با گذر زمانه در دوره‌های بعد زمینه ساز تحول فهم‌ها شد. به عنوان نمونه کاربست واژه اثر که در آغاز بسان حدیث تنها ساحات گفتاری و رفتاری پیامبر(ص) را برمی گرفت با توسعه معنایی در فراروی حدیث جای گرفت و گستره آن ساحتهای گفتار و رفتار صحابه و تابعان را فراگرفت و رویارویی با آن همسان سنت نبوی شد (پاکتچی، ۱۱/۹) و روایت‌های تفسیری آنان هم تراز سنت نبوی خوانش شد. (حاکم نیشابوری، ۲۰) به نظر می‌رسد چنین توسعه معنایی مفاهیم به دلیل نگره اعتقادی، تولید قدرت و دانش می‌نمود که زمینه‌ساز شکل‌گیری مکاتب تفسیری در دوره‌های بعد شد. با این توضیح که باورمندان دینی پسینی نزدیکی و آگاهی مفسران سده نخست هجری از روند تکون متن و همزیستی آنان با شیوه کنشگری پیامبر(ص) در نسبت به متن و حیانی را سبب ساز گسترش و دگرگونی معنای مفاهیم دانسته و نوع خوانش و فهم آنان برای خوانندگان بعدی حجت شمرند. این

روند قدسیت بخشی به ساحات صحابه درگستره فهم متن کشانده شد و شیوه تفسیری آنان درنسل دوم به عنوان منشأپیدایی مکاتب تفسیری مشروعیت داده شد.

البته افزون بر عوامل یادگشته در ناهمسانی فهم دینی می‌توان در فرایند معرفت، رهیافت‌های ایدئولوژیکی و نظام‌های باوری پس‌انزول قرآن به عنوان واقعیت تاریخی توجه نمود که در دگرگونی‌ها فهمی در نظام گفتمانی کلامی، فقهی و تفسیری و یادگفتمان‌ها در عرض آن که جهان اسلام با آن روبه‌رو بوده در چگونگی فهم‌های آغازین متن مؤثر دانست. هر کدام از گفتمان‌ها (رویداد سقیفه بنی ساعده، قتل خلیفه سوم) براساس زوایای و رهیافت‌های ویژه‌ای نظری و اصول معرفت‌شناسانه سامان یافتند و رهیافت‌های ایدئولوژیکی را بر ساختند که فرآورده چنین برساختگی‌هایی منش و دانش ویژه براساس زوایای دید خاص بود و حتی نقدهای معرفتی پایه ایدئولوژیکی گرفت. (جابری، ۲۷) تنوع ایدئولوژیکی‌های پس‌انزول قرآن در سده‌های نخستین گسست معرفتی ناشی از شیوه و ابزار پردازشگران میراث فرهنگی اسلام را ایجاد نمود. این نظام‌های ایدئولوژیکی با همراهی با رفتار قومیتی و قدرت حوزه‌های معرفت‌شناسانه با خوانش‌های ناهمگونی را ایجاد نموده است. در این راستا نظام زبانی در شکل دهی و شکل‌گیری نظام اندیشگی ارتباط وثیقی دارد و خوانشگران آن گونه می‌اندیشند که سخن می‌گفتند. (همو، ۱۱۵) چنین تحول ایدئولوژیکی رادر مدارس تفسیری و فقهی در آغازین سده اسلامی دیده می‌شود. کوفه در نیمه نخست سده اول هجری با آموزه‌های امام علی (ع) و ابن مسعود (خطیب بغدادی، ۳۳۴/۱۳) و سعدبن ابی وقاص و جراح کوفی (ذهبی، ۱۶/۱، ۲۴۰) و در پی آن نسل دوم از تابعان بسان ابن عباس، عبدالله بن عمر، ابوحنیفه و کسایی (همو، ۲۴۰) مجالس علم دینی تکون یافت. مرکز دانش دینی در بصره از جانب صحابه مهاجر بسان عمران بن حصین و انس بن مالک (ذهبی، ۱۷۷-۱۷۸) ابو موسی اشعری (طبری، ۱۶۱/۴-۱۶۳؛ ابن قتیبه، ۳۰۹) پی‌گیری شد. این روند در مکه به عنوان سرزمین وحی ادامه یافت و در دوره پس‌ا صحابه با حضور عطاء ابن ابی ریاح مرکز مهم آموزش فقهی شد. (پاکتچی، ۴۳۹/۸؛ احمد امین، ۲۱۶)

مؤلفه دیگر، جریان‌های اندیشه‌ای ظاهرگرایی در جامعه اسلامی پسایامبر(ص) گونه دیگر از عوامل تأثیرگذار در ناهمسانی فهم متن وحیانی می‌باشد که در برابر اصحاب رأی قرار داشتند. اندیشه ظاهرگرایی موضوعات فقهی، کلامی و تفسیری را با ظواهر متون دین فارغ از هرگونه تأویل به ویژه احادیث تکیه داشت و تلاش می‌نمود از ظاهر این متون فراتر نرود. در این پنداره وجود دوگانه آیات در اوصاف خدا (الانعام/۱۰۳، التوحید/۳-۴، الشوری/ ۱۱) در تشبیه خدا به امور جسمانی (طه/۵، الفجر/۲۲، ص/۷۵، القلم/۴۲) زمینه گمانه‌های متفاوتی را ایجاد نمود. تأویل یا پایبندی به ظاهر آیات منشأ پیدایی فرقه و گرایش‌های ناهمسانی گردید. (ابن خلدون، ۴۶۳) پاره‌ای پیشینه‌انگاره ظاهرگرایی متن به گروه "قرائین" از یهودیان در رویارویی با متن تورات نسبت داده شد که بعدها در میان امت اسلام با عناوین مجسمه و مشبهه طرفدارانی یافت. (شهرستانی، ۹۳؛ فخررازی، ۱۴) این روش اندیشگی با مخالفت‌هایی مواجه گشت و شیعیان به عنوان مخالفین این اندیشه تشبیه خداوند به صورت مخلوقات را نفی می‌نمودند (اربلی، ۲۸۳/۲-۲۸۴؛ سیدرضی، خ ۱، ۹۱، ۱۵۵ و نامه ۵۳) و در ادامه آنان با بهرهمندی از عقل و تأویل در موارد که مدلول ظاهری آیات و روایات مستلزم تشبیه بود و آن را بیرون از مدلول ظاهری حمل کردند. برخی از گروهها بسان اعتزالیان با تکیه بر عقل به انکار عذاب قبر، نکیر و منکر، میزان، صراط، معراج جسمانی پیامبر پرداختند. (میر ولی‌الدین، ۲۸۷-۲۸۸) و گروه دیگر با رهیافت غلو و باطنی‌گرایی تمامی آیات را دارای تأویل و زمینه ساز پیدایش مکتب اباحه‌گری شدند.

دگرگونی معنایی مفاهیم همیشه به صورت خطی و رو به توسعه نبوده بلکه گاهی باگسست و تنگنایی معنایی هم همراه بود. در این راستا مفهوم سنت در خوانش «شافعی» تنها به سلوک پیامبرانه بازخوانی شد و بسیاری از کارکردها در این حوزه معنایی در تنگنا قرار گرفت و عمل اهل مدینه یا افعال صحابه و یا خوانشهای عدالت صحابه آرام آرام اهمیت خود را از دست داد.^۱ (شافعی، ۷۳) افزون بر آن ناهمسانی فهمی باپشتوانه نظری

۱. البته قدسیت بخشی به صحابه و منس روایی ودانسی در قالب اندیشه عدالت دردنیای امروزه نشان از ناکامی تئوری شافعی دارد. (آرکون، ۶۶)

مبتنی بر حدیث^۱ سرعت یافت و تفاوت‌ها در حوزه فهم و روایتگری در مکه، مدینه، بصره و کوفه در آغاز سده دوم هجری بازتاب یافت و برخی از دانشوران عصری در نامه ای خطاب به خلیفه وقت (عمر بن عبدالعزیز) از وی خواستند که مردم را بر مذهب واحد گرد آورد؛ اما وی آن را به مصلحت نیافت و تفاوت‌های مذاهب و رهیافت‌ها را به رسمیت شناخت. (دارمی، ۱۵۱/۱) در این راستا می‌توان اختلافات فقهی میان دانشوران حجاز و عراق را نمونه ای از تنوع معرفتی بازخوانش کرد. (پاکتچی، ۴۴۰/۸) مدارس به وجود آمده بر اساس زوایای معرفتی بسان مدرسه حنفیه که با انگاره‌های معرفت‌شناختی ابن مسعود در کوفه (رامیار، ۳۵۵) و وجود فقیهان سبعه در مدینه و گرایش آنان به روایت و اثر و دوری آن از پنداره رأی، نشان از تفاوت‌های دیدگاه‌ها و برپایی مدارس یا مکاتب است. البته نحوه پراکندگی صحابه در سرزمین‌های اسلامی را می‌توان از عوامل بروز گونه‌های تفسیری و فهمی و حتی روایت‌گری پنداشت. (کلینی، ۶۲/۱-۶۴) در این الگو کارکرد نهاد قدرت (خلفا) در فرستادن قضات به سرزمین‌های اسلامی بسان عبدالله بن مسعود به کوفه و ابن عباس در مکه و عبدالله بن عمرو عاص در مصر (احمدامین، ۲۸۹) تنوع معرفتی آنان را در ایجاد ناهمسانی‌های فهمی و تفسیری و حتی فقهی را نمی‌توان نادیده انگاشت. نقش نظام قدرت پسا نزول قرآن در مدینه به عنوان مرکز خلافت در تکون نظام‌های معرفتی قابل‌بازنمون است. مدینه مرکز خلفای سه‌گانه و موقعیت زیسته صحابه بزرگ که پیامبر(ص) را در ساحات متفاوت همراهی کردند به عنوان مرکز دانش ارجاع و اقتباس اهل اسلام بود آرام آرام دارای مکتب ویژه و مکتب خاص فقهی و تفسیری شد که از خلیفه دوم و پسرش و عایشه متأثر بودند. (پاکتچی، ۴۴۰/۸)

گونه‌گونگی فهم در روزگار پسا پیامبر(ص) در میان صحابه به دلیل تفاوت‌های روایت‌های مرجع و روی آوری به رأی در مسائلی که سخن معصومانه وجود نداشت و در ادامه بسترگاه بروز تفاوت آراء تفسیری و فقیهانه گشت. (ابن قتیبه، ۲۰) رهیافت تساهلی و

۱. «نصر الله عبدا سمع مقالتي فوعاها و حفظها و بلغها من لم يسمعها فرب حامل فقه غير فقيه و رب حامل فقه الى من هو افقه منه» (کلینی، ۴۰۳/۱، ابن ماجه، ۸۴/۱)

ایستادگی در برابر درخواست یگانگی مذهب از سوی برخی خلفا (عمر بن عبدالعزیز) و اجازه نقل روایت با سویه‌های متفاوت به محدثان و آراء گونه‌گون فقهیانه و درسطحی فراتر رحمت الهی پنداری اختلاف امت (پاکتچی، ۱۴۴/۸) نشانی از مجاز بودن گستره و تنوع معرفتی این دوران است. افزون بر آن تفاوت‌های فرهنگی ناشی از زیست بوم‌های مختلف و همکنشی‌های متعارض در گونه‌گونی معرفت‌ها و دریافت‌ها بی‌تأثیر نبوده است. مکاتب تفسیری از دانشورانی که منطقه زیسته آنان در همکنشی با دیگر ملت‌ها بودند بسان مردم عراق که در تعامل با فرهنگ ایرانیان و مردم شام با رومیان بودند، تبادل آراء و تأثیر پذیری دانشی و کنشی در میان آنان را مشهود ساخت. چنین همکنشی دانشی در نحوه آراء تفسیری به ویژه در فقه بسان جواز خواندن نماز به زبان پارسی از سوی ابوحنیفه دیده می‌شود هرچند این ایده از جانب شافعی به چالش کشانده شد (همو، ۴۴۵) بازنمایی از موقعیت انفعالی صاحبان مکاتب است. این تنوع فهمی از بافتار زیسته به عنوان بازنمونی از ناهمسانی‌های فهم در آثار فقهیانه همانند آراء مالک بن انس در کتاب الموطأ که تنها در بر دارنده اصالت سیره و سنت مدنی است، درخور توجه است. (احمد امین، ۲۹۳)

ناهمسانی فهم در پرتو بن مایه‌های فلسفی و عرفانی در سده نخست هجری

هرچند تبارشناسی سویه قدرت را در مناسبت‌های اجتماعی بازخوانی می‌کند، در این بخش تولید دانش نوین و درادامه چگونگی فهم را در پیوند بانهاد سیاسی پی‌جویی می‌نماید. تاریخ اندیشه تفسیری در سده آغازین در دگرگونی جریان‌های ناهمسان فکری بامبانی ویژه روبه‌رو بوده است. روی آوری به متن وحیانی جهت فهم متن با روند داد و ستد بینامتنی در جریان‌های خردگرای سده نخستین پی‌گیری شد. باگسترش فتوحات در دوره خلفا، مسلمانان در سرزمین‌های فتح شده با فرهنگ‌ها و آیینی روبه‌رو گشتند که فلسفه و عرفان ویژه برخوردار بوده که ضمن آشنایی با شیوه دانشی و منشی از آن برای تبیین باورها و آموزه‌های متن وحیانی بهره جستند. سرزمین شامات و مصر با گستره

اندیشگی فلسفی و عرفانی زمینه ساز دگرگونی اندیشگی در اسلام بودند. (جارالله، ۲۵۲-۲۵۴؛ سامی نشار، ۹۲/۱) پدیده نوین اندیشگی زمینه گفتگو میان مسلمانان و مسیحیان در شکل مناظره آشکار کرد و آرام آرام این گفتمان جریان اندیشگی شام جریانی متمایزی از شیوه‌های فکری حجاز، عراق و مکتب خلفا را ایجاد نمود. (نچار، ۸۰-۸۱) جریان اندیشگی اراده آزاد (صابری، ۶۰/۱) و روشهای جدلی (کرین، ۱۵۰-۱۵۱) و تأویل عقل گرایانه (سامی نشار، ۳۵۵/۱) از ویژگی نظام اندیشگی این بخش از سرزمین تازه مسلمانان بود که آن را بادیگرسرزمین از جمله خاستگاه آن جدا می نمود.

شامات (فلسطین، سوریه، لبنان و اردن) از روزگار فتح آن از جانب اسکندر مقدونی در میانه قرن سوم پیشامیلاد در سیطره یونان و سپس زیر نفوذ روم قرار گرفت. (احمد العلی، ۸۰) این کنش و واکنش‌ها نظام قدرت زمینه تاثیر پذیری از یونانی مآبی و در پی آن اندیشه مسیحی رافراهم ساخت. (ویور، ۱۰۴-۱۰۵) مسیحیان شامی با الهام از کتاب مقدس و تفسیرهای فلسفی (استید، ۹۹؛ کاپلسون، ۵۲۷/۱) در همان سده آغازین میلادی تبدیل به مسیحیتی فلسفی- عرفانی شد و افزون بر تفکرات فلسفی اپیکوری که در تقابل با آموزه‌های یهود و مسیح قرار داشت اندیشه فلسفی افلاطونی و رواقی تاثیرگذار بر الهیات نخستین مسیحی گذاشت. (استید، ۱۶۷)

تسامح حاکمان اموی با مسیحیان شامات (کمبی، ۱۵۹/۱؛ بسوی، ۲۹۸/۳؛ بلاذری، ۱۷۵) انگیزه‌ای برای گرایش به اسلام در آنان ایجاد نشد و از سوی دیگر تازه مسلمانان «موالی» فاقد منزلت اجتماعی بودند (جوده، ۱۱۵-۱۱۷) بستری برای رشد اندیشه‌های فلسفی و عرفانی مسیحی در جامعه اسلامی را فراهم نمود. سوبه دیگر انباشت طبیبان مسیحی در دستگاه حکومتی اموی (سالم، ۶۱۶-۶۱۸، ابن عساکر، ۲۰/۱۶۱؛ حمیدان، ۲۴/۱) که افزون بر طبابت فلسفه دان هم بودند موجب تأثیر گذاری بر اندیشه حاکمان اموی بودند (امین، ۱۶۲-۱۶۳) و در سایه سار حکومت اسلامی به نگارش، نشر و دفاع از آموزه‌های فلسفی و عرفانی پرداختند. (بدر، ۲۴۰-۲۴۱) از برجسته‌ترین شخصیت مسیحی

در دربار اموی «یوحنا دمشقی» که از آبای یونانی است. (کاپلسون، ۴۷/۲) که زمان درازی در خدمت خلیفه بود و با نگارش کتاب «چشمه معرفت» که متأثر از آموزه‌های پدران کلیسا بود (لین، ۱۲۴) باعث تأثیر گذاری الهیات کلیسایی بر الهیات اسلامی شد. (سارتن، ۴۹۴)

مباحثات باوری میان ایدئولوگ‌های ناهمسان بسان مسیحیان با مسلمانان در سده‌های نخستین هجری نمایی از سنخ‌های روشی، و موضوع و هدفی در فهم گزاره‌های دینی است. روایت تاریخی از جدال یوحنا دمشقی در قالب جدال فرضی میان مسلمانان در نظام آموزشی وی (دمشقی، ۶۲-۷۷) و نیز صورتبندی عینی این گفتمان در مناظره یوحنا اول (اسقف یعقوبیان) با عمرو عاص در ۲۴ هجری (طارمی راد، ۱۳۵) و با امامان (ع) نمایی از تقابل نظام اندیشگانی ناهمسان است. (کلینی، ۱۲۲/۸-۱۲۳) افزون بر آن شکل‌گیری ترجمه که از زمان خالد بن یزید بن معاویه (۸۵ه) آغاز گشت (شوقی، ۴۴۳) که نشانی از تنوع جریان‌های باوری که در نوع فهم متن و ایجاد مکاتب تفسیری، کلامی است. (عقیلی، ۲۰۱-۲۰۲) افزون بر موارد یاد گشته، عنصر فرهنگی که با ترجمه متون (عقیلی، ۱۹۸-۲۰۰) هم از عناصر تأثیرگذار بر تنوع فهمی بوده است. نزاع‌های کلامی (قدر) در سده نخست هجری برخاسته از مسائل سیاسی پیرامون خلافت و امامت قبل و بعد از شهادت امام علی (ع) محل گفتگوی شدیدی را پدید آورد و خوارج پیرامون مساله امامت باشیعه به تقابل برخاستند و گروهایی نیز با مسائل یادگشته رویارویی نمودند. (زحیلی، ۳۲۹-۳۳۰) دستگاه حکومتی اموی پس از پیدایی خوارج، باور به جبر را برای توجیه رفتار ستمکارانه خود توسعه دادند. (سبحانی، ۲۶۱/۱) لازم به یاد آوری است که مساله قدر از آموزه‌های قرآنی در قرن نخست اسلام مورد توجه حجاز و عراق بود و در معنای جبر و اضطراب رفتار انسان خوانش می‌شد (بغدادی، ۱۹۹) که با دگر دیسی معنایی به آزادی اراده آدمی توسط متکلمان شامی تفسیر شد (اشعری، ۹۰) و باعث شد که از جانب حجاز و عراقی‌ها به دلیل ناهمسویی با مکتب خلفا مخالفت گردد. (بیهقی، ۳۲۷) هر چند در پندار برخی این ناهمسانی

در معناداری قدر ناشی از ظهور آن در مکتب مدینه از محمد بن حنفیه دانسته شد و در پی آن به بصره و از جانب حسن بصری گسترش یافت. (سامی نشار، ۳۵۹-۳۶۰) این روایت تاریخی، پیدایی و گستره مباحث قضا و قدر، رویت خدا در روز قیامت، کلام خدا و صفت الهی در سده نخست هجری را تقویت می‌کند. (فروخ، ۵۵)

ناهمسانی فهم در پرتو اقتدار

روی آوری به متن در سده نخست هجری با جریان‌های ناهمسانی روبه‌رو بوده که می‌توان آن را در پرتو اقتدار خوانش نمود. روند حمایت خلفای راشدین از تلاوت و روی گردانی از تفسیر قرآن با دستور حاکمیتی «جردوالقرآن و لا تفسروه و اقلوا الروایه عن رسول الله و انا شریککم قرآن را تجرید نموده و تفسیرش نکنید و روایت از پیامبر (ص) را کم گوئید و من پشتیبان و شریک شما هستم.» (ابن ابی الحدید، ۹۳/۱۲) پیگیری شد. شیوه کنشی خلفا در توجه به تلاوت و رویگردانی از تفسیر با کمینه روایت‌های تفسیری از سوی آنان قابل باز شناسی است. هر چند کنشگری خلفا با گمانه‌های بی دانشی صحابیان از حقیقت قرآن یا زود مردن خلفا توسط دانشوران بعدی رایزنی شد اما نمی‌توان دلایل سیاسی و پیوند آن را با اقتدار نهاد قدرت نادیده انگاشت. (معارف، ۲۹-۴۴)

افزون بر آن اندیشه‌های تفسیری بر پایه‌های ایدئولوژیکی باره‌یافت سلطه و اقتدار در سده نخست اسلام هم قابل پی جویی است. در باوری، دانش اسلامی به گونه‌ای تولید شده‌اند که اقتدار موجود در جامعه اسلامی را تحکیم بخشید که این اقتدار از جانب حاکمان، دولت، فقهاء، مفسران و تاریخ نویسان ایجاد شده است. این گونه تولید معرفت به صورت اسکولاستیک^۱ و مدرسی ادامه یافت (ضمیران، ۲۳) که پیامد آن در حوزه معرفت، انحصاری شدن فهم از جانب رجال مذهبی است. با این توضیح که ساختار ذهن مسلمانان

۱. Scholastic از ریشه لاتین Schola به معنی مدرّس است. در قرون وسطی (۹ تا ۱۵م)، علم و حکمت تنها در مدارس و کلیساها تدریس می‌شد. (نمازی، ۴۷)

بر مؤلفه‌های کفر و ایمان تکیه دارد. مومنان در آغازین روزهای اسلام در برابر تهدیدهای دیگران با کاربست واژگانی ایمان و کفر، آن را برافراد به صورت دشمن یا دوست منطبق می‌نمودند. (آرکون، ۱۳۹۴، ۱۴۸) این سامانه معنایی در توالی زمانی و تاریخی بایپروزی مسلمانان بادگرگونی معنایی باسویه الهیات و جریانات غالب معنای اصیل خود راز دست داد. (آرکون، ۱۳۸۷، ۱۲۰) تنش سیاسی و اجتماعی میان این دو گروه آرام‌آرام به کشمکش میان خدا و انسان منجر شد و جریان حاکم با بهره‌مندی از آن به بازخوانی تاریخ و روایات پرداخت و فهم متن را براساس آن چارچوب بندی کرد و در ادامه با این شیوه فهمی، الهیات غیرخودی را به چالش کشاند. (همو، ۱۳۸۷، ۴۸)

حاکمان سیاسی برپایه سلطه و اقتدار، حق را درخود منحصر دانسته و با کاربست نظام چارچوبی بر پایه این عناصر دوگانه و رهیافت جزم اندیشی به آن، مبانی باوری خود را حق انگاشتند و ازسوی پیروان خود، توقع نگرش ایمانی داشتند و عقاید دیگران را کفر و بی‌معنا پنداشتند. (همو، ۹۵) چنین نگره حاکمان اسلامی به دانشوران دینی باعث شد که دانش‌های دینی و شیوه تفسیری و فهمی آموزه‌های دینی در راستای نهاد قدرت خوانش گردد. در این نظام گفتمان مبتنی بر اقتدار جریان حاکم تلاش شد نقد تاریخ و صحت روایت و فهم‌ها براساس تک معنایی منطبق با آن چارچوب ساختاری پیش رود و حتی با این شیوه معانی نگره‌های الهیاتی غیر خودی را به چالش کشاند. (همو، ۴۸) در این نظام پیوند معرفت با قدرت، معنای درست آیات با سویه هم‌نوایی با نهاد قدرت خوانش می‌گردد.

ویژگی متن وحیانی و مؤلفه‌های سده نخست هجری از جهت دگرگونی در ساختارهای نهاد سیاست پسایم‌بر(ص)^۱، نقش امور اقتصادی در توزیع ثروت (باتوجه به فتوحات و گستره غنائم) و تأثیر آن در سبک زندگی و نوع زیست اجتماعی، سویه فرهنگی جامعه در هم‌کنشی با هم در نظام نوین و عدم فاصله از گذشته زیستی خود، کنشگری آنان در

۱. نزاع‌های سیاسی جهت جانشینی پیامبر اسلام(ص) برخورد با اهل ارتداد، اختلاف در شورای شش نفره و ماجرای نحوه رویارویی با عثمان در زمان وی و چگونگی برخورد با قاتلان وی و کشمکش‌های سیاسی پس از آن و شهادت امام علی(ع) و جریان پس از آن، بازنمایی از تحولات سیاسی است.

رویاری با سرزمین‌های تازه فتح شده، حالات روان‌شناختی فردی و اجتماعی فهمنده و مفسر متن، زمینه ناهمسانی‌ها در فهم و تفسیر متن را فراهم نموده و افزون بر آن بستر را برای تأسیس مکاتب فهمی^۱ را ایجاد نمود. برخلاف باورمندی عمومی که تفاوت دیدگاه درآموزه‌های دینی زمینه ساز خاستگاه دگرگونی و تنوع فرقه هاست، به نظر می‌رسد رقابت‌های سیاسی، وابستگی‌ها به طبقه اجتماعی، نزاع‌های قبیله‌ای و سایر برتری‌خواهی‌های حزبی (خوارج - عثمانیه - حشویه - مرجئه) بستری تعیین کننده در نوع نگرش به متن و فهم و تفسیر متن بوده است.

بر این اساس ریشه پیدایش چالش‌های اندیشه‌ای که پیام‌آن عدالت و قداست صحابه، اطاعت‌ورزی از فهم آنان در لزوم اطاعت از حاکم جور، همسویی و ناهم‌سویی در رویدادهای سیاسی و همراهی با جماعت، ترجیح نظم و امنیت بر عدالت و اهتمام به ارزش‌های دینی یا عکس این آموزه‌ها را می‌توان در سده نخست در میان خوانندگان آن پی جویی نمود.

در ادامه برای نمایشگری عناصر فرازبانی و مؤلفه‌های تبارشناختی در فرایند و ناهمسانی‌های فهمی به بررسی منش و شیوه دانش تفسیری ابن عباس و زیدبن ثابت پرداخته می‌شود.

ابن عباس

عبدالله بن عباس از دانشوران تفسیری دوره آغازین اسلام که سه سال قبل از هجرت در شعب ابی طالب به دنیا آمد و در هشتم هجری به همراه پدر به مدینه مهاجرت کرد و پس از شهادت امام علی (ع) در مکه ساکن شد و به تفسیر قرآن پرداخت. وی به دلیل عدم بیعت با عبدالله بن زبیر به طائف تبعید شد و در همانجا (۶۸ ه) درگذشت. (یعقوبی، ۲۶۲/۲) ابن عباس از سرشناسان تفسیر و مکتب تفسیری ویژه است با آثار "تنویرالمقباس

۱. school of thought / شیوه‌های اندیشیدن که تعداد از افراد در آن اشتراک دارند. مکاتب تفسیری درباره چگونه تفسیر کردن قرآن کریم یا روشها و یا آراء تفسیری مفسران در معانی آیات به کار می‌رود.

من تفسیر ابن عباس " و " ترجمان القرآن " شناخته می‌شود و با اوصاف اعلم امت، (ابن سعد، ۲۸۱/۱۲) بحر (قرطبی، ۹۳۶/۳) و فقیه (ابن حنبل، ۲۹۳/۱) ستوده شده است. شیوه تفسیری او براساس آگاهی وی از ایام عرب، لغت‌شناسی و ادبیات شعری استوار بود. (همو، ۱۶۱/۲) رهیافت‌های انتقادی درباره روایت تفسیری وی گونه‌گون می‌باشد. به پنداری بیشینه و فراوانی روایت‌های تفسیری او با تردیدهایی از جانب شافعی، (سیوطی، ۴۹۹/۲) بخاری (ابن حجر، ۴۷۶-۴۷۷) و دیگران (ذهبی، ۷۷/۱) همراه است و در پاره ای، دانشوران با بررسی روایات تفسیری وی افزون بر فراوانی، به اضطراب محتوایی و درستی آن اشاره نموده (حکیم، ۱۰۶/۲) و دلیل آن را دراعتبار دانشی و پیوند وی با نهاد قدرت دانسته که زمینه دروغ‌پردازی و نسبت دادن روایتی به او شده است. (معرفت، ۲۱۶-۲۱۷) درپنداری که برپایه رهیافت ایمانی و راست‌کیشی به ابن عباس است دامن وی را از هرگونه امکان پردازش به اضطراب محتوایی و همبسته بودن وی به نهاد قدرت پاک دانسته شد. اما در رویکردی سوبه انتقاد به منش و دانش وی معطوف گشته و فضیلت دانشی وی با انتقادهای تندی همراه نموده و آن را در جهت تقدس نمودن حکومت بنی عباس خوانش کردند. (صادقی، و دیگران، ۱۳۵-۱۶۰) کنش سیاسی وی در دوران پسارسول اکرم(ص) به عنوان مشاور خلیفه دوم و گزینش رفتار سیاسی وی در جریان محاصره عثمان که با سمت امیرالحاج به حج رفت (بلاذری، ۳۹/۴) نمونه ای از سوبه‌های منشی وی در نسبت به نهاد قدرت قبل از خلافت امام علی(ع) است. لغزش‌های وی بسان برادرانش قتم و عبیدالله که در دوران امام علی(ع) دارای قدرت بودند نشان از تأمل رفتاری وی در نسبت همسویی و ناهم‌سویی او با امام علی(ع) دارد. (تقفی، ۶۰۸/۲) افزون برآن حضور او در رویداد جمل که از جانب امام علی(ع) برای آرام کردن فتنه نزد سران جمل حضور یافت و در پی آن برای جمع آور نیرو به کوفه رفت و درماجرای حکمیت که به عنوان نماینده امام تعیین شد ولی در هیچ یک توفیقی نیافت. (ابن مزاحم، ۴۹۹، طبری، ۱۳/۵) ناکامی وی به عنوان استاندار بصره جهت آرام سازی فضای سیاسی

ذاکری، ۵۱۵/۲)، ناهمسویی سیاسی با امام علی (ع) در رضایت‌مندی وی بر حکمرانی معاویه در شام (همو، ۵۱۸) و نپذیرفتن امارت شام (ابن سعد، ۱۷۴) رویداد اختلاس وی از بیت المال بصره (ابن عبد ربه، ۹۷/۵؛ نهج البلاغه، نامه، ۴۱) منش سیاسی وی را برابر امام علی (ع) با تردیدهایی همراه ساخته است. با توجه به این گفته‌ها رهیافتها به منش و شخصیت وجودی ابن عباس، در پیوند با نوع زیست وی در همکنشی و مصاحبت با پیامبر (ص) است که موقعیت دانشی وی را در نسبت به دیگران ممتاز گردانید. افزون بر آن نسبت وی بانهاد قدرت و کنشگری‌های او در این خصوص زمینه اقبال و عدم اقبال به وی را در دوران پسینی رافراهم ساخت که حتی شیوه توصیف‌گری‌های دانشی وی را ایجاد کرد. بنابراین روایت‌های دانشی وی در گستره فهم متن وحیانی را باید در دایره عناصر فرازبانی بازخوانی نمود.

زیدبن ثابت

زیدبن ثابت ضحاک بن لوزان انصاری^۱ (م ۴۵ه) در مدینه در سال یازدهم پیشاهجرت به دنیا آمد و در مکه پرورش یافت. در روایتی برای او بیشترین مسئولیت در نوشتار وحی (ذهبی، ۸۳/۱) و جمع آوری قرآن^۲ یاد گشته و در نگره ای تردید شد. (ابن اثیر، ۲۲۶/۱) دانشوری وی در حوزه فرائض و تقسیم ارث^۳ (ابن حنبل، ۲۸۱/۳؛ متقی هندی، ۶۴۱/۱۱) و دانش‌های دیگر گزارش شده است. شیوه تفسیری وی هر چند با توصیف راسخ در علم ستوده شده (ابن حجر، ۶۳، ذهبی، ۴۲۶/۲) اما بالحاظ آرای شخصی روایت شده است. (بخاری، ۳۷۳/۸) نقش وی در جریان سقیفه بنی ساعده و در بیعت انصار با ابی بکر (ابن

۱. درباره نام پدر و جد وی اختلاف است. در پنداری وی را زیدبن ثابت بن خلیفه اشهلی از یاران پیامبر (ص) (سمعی، ۱۷۲/۱) و در روایتی فرزند ضحاک اشهلی از جاسوسان یهودی (ابن حجر، ۸/۲) دانسته اند.

۲. وی کاتب رسمی دولت، مسند قضاوت و جانشین خلیفه (عمر) در زمان عدم حضور (ابن عساکر، ۶۹۳/۲) و کارگزار بیت‌المال بود. (بخاری، ۳۷۳/۸)

۳. البته دانایی وی در این حوزه توسط برخی از صحابه بسان ابن عباس تردید شده است. (دارمی، ۳۴۶/۲) در روایتی از امام باقر (ع) حکم وی درباره ارث به حکم جاهلیت خوانش شده است. (کلینی، ۴۰۷/۷)

هشام، ۴/۴۹۴)، مسئولیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی وی نمایی از همسویی او با نهاد قدرت است. وی پس از کشته شدن عثمان با امام علی (ع) افزون بر عدم بیعت، در جنگی همراهی نکرد. (ابن اثیر، ۳/۱۹۱) شخصیت اجتماعی وی در روایات تاریخی ناهمسان است به گونه‌ای که در روایتی با گزارشی از کودکی او که با نوباوگان یهودی هم بازی و هم‌درس بوده، سواد و عبری دانستن وی^۱ هرچند از سوی پاره‌ای، فضایل او شمرده شد (بخاری، ۸/۱۲۰) اما اتهام وی به یهودیت^۲ از سوی برخی (ابن عساکر، ۳/۱۰۰۶) در خور توجه است. بر این اساس با داده‌های تاریخی درباره شیوه همسویی او با نهاد قدرت ویژه و روی گردانی از سویه دیگر می‌توان، تبار و زاویه دید او را در فهم متن پی جویی کرد.

نتایج مقاله

۱- بازخوانش فهم در سده نخست هجری همبسته به دانش‌های زبانی که در پیوند با روایت‌های تفسیری است و افزون بر آن، در ارتباط با مؤلفه‌های فرازبانی و عناصر هویت ساز اندیشه، فضای فرهنگی و سیاسی و تجربه زیستی در جهان مسلمانی پسانزول قرآن و با افتار حاکم بر آن است.

۲- در رهیافت تبارشناسی و عناصر قوام‌بخش آن دگرگونی‌ها و ناهمسانی‌های تفسیری را نمی‌توان تنها با سبک‌های ویژه مؤلفان و به صورت مکانیکی و خطی همبسته دانست بلکه نیازمند به رویه‌ها و عناصر دیگر در بازخوانی آن قابل پی جویی است. در این راستا مؤلفه قدرت به واسطه مناسبات اجتماعی تولید می‌شود در تکون دانش و حقیقت مؤثر است.

۱. مقاله "زیدین ثابت بادو زلف آویخته از کنار گوش‌هایش، یهود و کتابت در مدینه قبل از اسلام" از میخائیل لکر به اختلاف دیدگاه وی با ابن مسعود و ابی بن کعب پرداخته و نقش یهودیان مدینه پرداخته است.
۲. در پرسشی از ابن مسعود که چرا بسان زید قرائت نمی‌کند وی جواب داد: من هفتاد سوره را از پیامبر (ص) خواندم که از سوی آن حضرت تحسین شدم، حال بسان کسی بخوانم که در صلب مردی کافر بود. در روایتی زید بن ثابت به موهای بافته شده در مکتب خانه درس می‌خواند تعبیر شده است. (ابن حنبل، ۱/۳۸۵، ۴۰۵؛ سیدعلی‌خان، ۲۲)

- ۳- مؤلفه‌های تأثیرگذار فهم‌ها در سده آغازین ناهمسان بوده و در پیوند با الگوی فرازبانی است که با گذر زمانه در دوره‌های بعد زمینه‌ساز دگردیسی فهم‌ها شد. دگرگونی معنایی مفاهیم به صورت توسعه‌ای و تنگنایی در این راستا می‌باشد.
- ۴- رهیافتهای به روایت گری صحابه همانند ابن عباس و زیدبن ثابت نیازمند بازشناخت منش وجودی و همکنشی آنان در مناسبات اجتماعی است.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم
۲. آرکون، محمد، نقد عقل اسلامی، ترجمه محمد مهدی خلجی، تهران، نشر ایده، ۱۳۷۹ش.
۳. همو، تاریخ مندی اندیشه اسلامی، ترجمه رحیم حمداوی، تهران، نگاه معاصر، ۱۳۸۷ش.
۴. همو، تاریخیه، الفكر العربی اسلامی، ترجمه هاشم صالح، بیروت، مرکز انماء القومی، ۱۹۹۶م.
۵. همو، دانش اسلامی، ترجمه عبد القاهر سواری، تهران، نسل آفتاب، ۱۳۹۴ش.
۶. ابن بی الحدید، عزالدین، شرح نهج البلاغة، تصحیح محمدابوالفضل ابراهیم، بیروت دارالاحیاء الکتب العربی، ۱۳۷۸ق.
۷. ابن اثیر، ابوالحسن علی بن محمد، اسدالغابة فی معرفة الصحابة، قاهرة، دارالتقريب، ۱۸۶۳م.
۸. ابن حجر عسقلانی، ابوالفضل احمد بن علی، تهذیب التهذیب، حیدرآباد، دایرةالمعارف، ۱۳۲۵ق.
۹. ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، تحقیق عبدالقادر عطاء، الطبعة الاولى، بیروت، موسسه الاعلمی، ۱۴۰۸ق.
۱۰. ابن صلاح، عثمان بن عبدالرحمن، مقدمه ابن الصلاح فی علوم الحدیث، به کوشش صلاح بن محمد عویضه، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۴ق.
۱۱. ابن عبد ربه، شهاب الدین، ابوعمر و احمد بن محمد، العقد الفريد، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۴ق.
۱۲. ابن قتیبه، ابومحمد عبدالله بن مسلم، تأویل مختلف الحدیث، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۱ق.
۱۳. ابن عساکر، (۱۴۱۵ق)، تاریخ مدینه دمشق، تحقیق عمر بن غرام العمرو، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
۱۴. ابن ماجه، محمد بن یزید، السنن، به کوشش محمد فواد عبدالباقی، قاهره: دار احیاء الکتب العربیة، ۱۴۰۱ق.
۱۵. ابن مزاحم، وقعة صفین، تحقیق عبدالسلام، الطبعة الثانی، قم، منشورات مکتبة المرعشی، ۱۳۸۲ق.
۱۶. ابن الندیم البغدادی، محمد بن اسحاق، الفهرست، تهران، چاپ رضا تجدد، ۱۳۵۰ش.
۱۷. ابن نقطه، محمد، التقیید، به کوشش کمال یوسف الحوت، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۰ق.
۱۸. ابن هشام، عبدالملک حمیری المعافری، السیرة النبویة، تحقیق مصفی السقا و ابراهیم الأبیاری و عبد الحفیظ شلیبی، بیروت، دارالمعرفة، بی تا.
۱۹. احمد امین، فجر الاسلام، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۹۶۹م.
۲۰. ابن حنبل، احمد، مسند، قاهره، دارالعلم، ۱۸۹۵م.
۲۱. ابن حنبل، احمد، فضائل الصحابة، تحقیق وصی الله بن محمد عباس، مکه، دارالطباعة، ۱۹۸۳م.
۲۲. احمد مختار، عمر، علم الدلالة، ج پنجم، قاهره، عالم الکتب، ۱۹۹۸م.
۲۳. استید، کریستوفر، فلسفه در مسیحیت باستان، ترجمه عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۰ش.
۲۴. احمد العلی، صالح، مهاجرت قبایل عربی در صدر اسلام، ترجمه هادی نصاری، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت، ۱۳۸۴ش.
۲۵. اکرمی، موسی و ازدریان شاد، زلیخا، «تبارشناسی از نیچه تا فوکو»، فصلنامه روش شناسی علوم انسانی، سال ۱۸، ۱۳۹۱ش.
۲۶. بخاری، محمد بن اسماعیل، التاريخ الكبير، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۳۹۸ق.
۲۷. برسر، چارلز، در آمدی بر نظریه‌ها و روش‌های نقد ادبی، ترجمه مصطفی عابدینی فرد، تهران، نیلوفر، ۱۳۹۳ش.
۲۸. بلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، ترجمه محمد توکل، تهران، نقره، ۱۳۷۷ش.

۲۹. بیهقی، ابوبکر، القضاء و القدر، تحقیق محمد بن عبدالله آل عامر، الرياض، مكتبة البيكان، ۱۴۲۱ق.
۳۰. بهیان، شاپور، «روش شناسی میشل فوکو»، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال ۴، شماره ۸، ۱۳۸۹ش.
۳۱. پاکتچی، احمد، «مطالعه معنا در سنت اسلامی»، نامه پژوهش فرهنگی، ش ۳، ۱۳۸۷ش.
۳۲. همو، احمد، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۷ش.
۳۳. همو، احمد، اصحاب رأی، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۹، تهران، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۹ش.
۳۴. پالم، فرانک، نگاهی تازه به معنی شناختی، ترجمه کوروش صفوی، تهران، مرکز، ۱۳۶۶ش.
۳۵. ثقفی کوفی، ابواسحاق ابراهیم بن محمد بن سعید، الغارات، تحقیق السيد جلال الدين حسینی، بیروت، مطبعة الحیدری، بی تا.
۳۶. چگینی و دیگران، تقسیمات تفسیری با تاکید بر مذهب، روش، گرایش، مکتب و شیوه‌های تفسیر، تهران، ناشر الشمس، ۱۳۹۲ش.
۳۷. جابری، محمد عابد، ما ومیراث فلسفی ما، مترجم سید محمد آل مهدی، تهران، ثالث، ۱۳۸۷ش.
۳۸. جاحظ، ابوعثمان عمرو بن بحر، الحيوان، تحقیق محمد باسل عیون السود، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۴ق.
۳۹. خاتمی، محمود، مدخل فلسفه غربی معاصر، تهران، نشر علم، ۱۳۹۱ش.
۴۰. حسن رضایی هفتادرو دیگران، «ارزیابی آرای انتقادی ژیلینو نسبت به مشروعیت تفسیر اجتهادی»، پژوهشنامه معارف قرآنی، سال ۹، شماره ۳۲، ۱۳۹۷ش.
۴۱. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، معرفة علوم الدیث، به کوشش معظم حسین، بیروت، دارالافتاء، ۱۴۰۰ق.
۴۲. حکیم، محمد تقی، عبدالله بن عباس شخصیت و آثاره، قم، مدین، ۱۴۲۳ق.
۴۳. الحمصی، نعیم، غکرة الاعجاز القرآن من البعثة النبویة الى عصرنا الحاضر، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۰ق.
۴۴. حمیدان، زهیر، اعلام الحضارة العربیة الاسلامیة فی العلوم الاساسیة و التطبيقیة، دمشق، وزارة الثقافة، ۱۹۹۵م.
۴۵. دارمی، عبدالله، السنن، به کوشش فواز احمد زمرلی و خالد السبع العلمی، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۳۴۹ق.
۴۶. دریفوس، هیوبرت و رابینو، پل، میشل فوکو، فراسوی ساختگرایی و هرمنوتیک، مترجم حسین بشریه، تهران، نشر نی، ۱۳۹۲ش.
۴۷. دمشقی، یوحنا، الهرطقة المنه، بی جا، بی تا، ۱۹۹۷م.
۴۸. ذهبی، محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، به کوشش شعیب ارنوط، بیروت، مؤسسه الرسالة، ۱۴۱۳ق.
۴۹. همو، محمد بن احمد، تذکرة الحفء، بیروت، مكتبة الحرم المکی، ۱۴۱۹ق.
۵۰. ذهبی، محمد حسین، التفسیر والمفسرون، قاهره دارالکتب، ۱۳۸۱ق.
۵۱. رامیار، محمود، تاریخ قرآن، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۲ش.
۵۲. زمخشری، محمود بن عمر، اساس البلاغه، چاپ اول، بیروت، دارصادر، ۱۹۷۹م.
۵۳. ساجدی، حامد و ابوالفضل ساجدی، «تحلیلی تازه از تعامل معناشناسی و تفسیر قرآن به قرآن با الهام از دیدگاه ایزوتسو»، قرآن شناخت، سال نهم، شماره ۲، صص ۵-۲۶، ۱۳۹۵ش.
۵۴. سالم، عبدالعزیز، تاریخ الولة العربیة، بیروت، دارالنهضة العربیة، ۱۴۰۶ق.
۵۵. سامی نشار، علی، نشأة الفكر الفلسفی فی الاسلام، مصر، دارالسلام، ۲۰۰۸م.
۵۶. سبحانی، جعفر، بحوث فی الملل و النحل، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، بی تا.
۵۷. سیدعلی خان، الدرجات الرفیعة، قم، مكتبة بصیرتی، ۱۴۲۰ق.
۵۸. سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، تعلیق مصطفی زب البخا، بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۲۰ق.
۵۹. شافعی، محمد بن ادريس، الرسالة، تحقیق احمد محمد شاکر، قاهره: مكتبة مصطفى البابی الحلبي، ۱۳۵۸ق.

۶۰. شریفی، علی، معناشناسی قرآن در اندیشه شرق شناسان با تاکید بر ایزوتسو، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۴ش.
۶۱. صاحب، اسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغة، تحقیق محمد حسن آل یاسین، چاپ اول، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۱۴ق.
۶۲. صادقی، و دیگران، «تحلیل انتقادی فضائل اختصاصی عبدالله بن عباس در روایات»، نشریه فصلنامه تاریخ اسلام، شماره ۶۸، ۱۳۹۵ش.
۶۳. صالحی، اسکندر و دیگران، «سیر تحول معنای وجود و موجود از نخستین سده‌های هجری تا عصر ابن سینا»، دوفصلنامه حکمت سینوی، سال بیستم، شماره ۵۶، ۱۳۹۵ش.
۶۴. ضمیران، محمد، ژاک دریدا و متافیزیک حضور، تهران، هرمس، ۱۳۷۹ش.
۶۵. طارمی راد و دیگران، حسین، توحید، ثنویت و تثلیث، بی جا، کتاب مرجع، ۱۳۸۹ش.
۶۶. طباطبایی، سیدمحمد حسین، المیزان فی التفسیر القرآن، ج ۵، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۶۷. طبری، محمدبن جریر، تاریخ طبری، قاهره، دارالمعارف، ۱۴۰۷ق.
۶۸. همو، جامع البیان، به کوشش احمد صدقی جمیل العطار، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
۶۹. عقلی، عمر بن سلیمان، تاریخ الدولة الامویة، ریاض، بی نا، ۱۴۲۷ق.
۷۰. فروخ، عمر، عبقریة العرب فی العلم و الفلسفه، بیروت، المكتبة العصرية، ۱۹۸۹م.
۷۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، چاپ دوم، قم، نشر هجرت، ۱۴۰۹ق.
۷۲. فوکو، میشل، معرفت و قدرت، ترجمه محمد ضمیران، تهران، هرمس، ۱۳۷۸ش.
۷۳. فیرحی، داود، دانش قدرت و مشروعیت در اسلام، تهران، نشرنی، ۱۳۸۷ش.
۷۴. قاسم پور، محسن، فصلنامه پژوهش نامه تاریخ اسلام، سال پنجم، شماره بیستم، ۱۳۹۴ش.
۷۵. قرطبی، محمد عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، تحقیق شیخ علی محمد، بیروت، دارالکتب العلمیة، بی تا.
۷۶. لین، تونی، تاریخ تفکر مسیحی، ترجمه روبرت آسریان، تهران، فرزاد، ۱۳۸۰ش.
۷۷. کاپلسون، فردریک، تاریخ فلسفه، ترجمه ابراهیم دادجو، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۷ش.
۷۸. کرین، هانری، تاریخ فلسفه اسلامی، ترجمه جواد طباطبایی، تهران، کویر، ۱۳۷۷ش.
۷۹. کرین، هانری، آفاق تفکر معنوی در اسلام ایرانی، با اهتمام داریوش شایگان، ترجمه باقر پرهام، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۹۰ش.
۸۰. کریمی نیا، مرتضی، «ریشه‌های تکوین نظریه ی اعجاز قرآن و تبیین وجوه آن در قرون نخست»، پژوهش‌های قرآن و حدیث، سال ۴۶، شماره ۱، ۱۳۹۱ش.
۸۱. کشتی، محمد، اختیار معرفة الرجال، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۸۴ش.
۸۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۹۱ق.
۸۳. کنوبلاخ، هوبرت، مبانی جامعه شناسی معرفت، ترجمه کرامت الله راسخ، تهران، نشر نی، ۱۳۹۰ش.
۸۴. کیلگزر، مری، درس نامه نظریه ادبی، ترجمه جلال سخنور، الهه دهنوی و سعید سبزیان، تهران، نشر اختران، ۱۳۸۸ش.
۸۲. معارف، مجید، «رویکردانی از تفسیردر سده نخست و انگیزه‌های آن»، مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۶۱، ۱۳۷۶ش.
۸۶. متقی هندی، حسام الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، تصحیح صفوة السقاء، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۹ق.
۸۷. مطعنی، عبد العظیم ابراهیم محمد، المجاز فی اللغة القرآن الکریم بین الاجازة والمنع، قاهره، مكتبة الوهبة، ۱۴۲۵ق.
۸۸. معرفت، محمد هادی، التفسیر و المفسرون، مشهد: الجامعة الرضویة للعلوم الاسلامیة، ۱۴۱۸ق.

۸۹. مکالا، سی بی بن، بنیادهای علم تاریخ، ترجمه احمد گل محمدی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۷ش.
۹۰. مکاریتی، ای. دی، معرفت به منابه فرهنگی، جامعه شناسی معرفت جدید، ترجمه کمال خالق پناه و دیگران، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۸ش.
۹۱. مگی، برایان، فلاسفه بزرگ، ترجمه عزت الله فولادوند، تهران، خوارزمی، ۱۳۷۲ش.
۹۲. میروولی الدین، معتزله، ترجمه غلامعلی حداد عادل، در تاریخ فلسفه در اسلام، به کوشش میان محمد شریف، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲ش.
۹۳. نجار، رمزی، الفلسفه العربیة عبر التاريخ، بیروت، دارالآفاق الجدیدة، ۱۹۷۹م.
۹۴. نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی، فهرست اسماء مصنفي الشيعة المشتهر برجال النجاشی، تصحیح موسی شبیری زنجانی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۸ق.
۹۵. نصری، عبدالله، فلسفه تحلیلی (تقریرات استاد دکتر مهدی حائری)، تهران، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۹ش.
۹۶. ویور، مری جو، درآمدی به مسیحیت، ترجمه حسن قنبری، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان، ۱۳۸۱ش.
۹۷. هاسپرس، جان، فلسفه تحلیلی، ترجمه، سهراب علوی نیا، تهران، مرکز ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۷۰ش.
98. Alston, William, "Meaning", in: Paul Edwards ed., *The Encyclopedia of Philosophy*, London, Macmillan, 1967
99. Locke, John, *Essays Concerning Human Understanding*, Book 111, Oxford University Press, 1990.
100. Lovejoy, Arthur, O., *The Great Chain of the Being*, Cambridge, Harvard University Press, 1936
101. Bloomfield, Leonard, *Language*, London, George Allen and unwin LTD, 1935
102. Martin, Richard, "The role of the Basrah mutazilah in formulating the doctrine of the apologetic miracle," *Journal of Near Eastern Studies* 39iii , 1980, pp. 175-189
103. Thomas, David, *Christians at the heart of Islamic rule: Church life and scholarship in, Abbasid Iraq*. Leiden: Brill, 2003.